



در سکوتی مطلق صداهای دیگران را بشنود و خود را بسپرد به دستِ حوادثی که گاه بسیار در قبالش بی‌رحماند. تولدِ یک یاغی...»

محمد هاشم اکبریانی، متولد سال ۱۳۴۴، داستان نویس و روزنامه نگار است. اولین کتاب او در حوزه داستان، مجموعه داستان «کاش به کوچه نمی‌رسیدم» بود که سال ۱۳۸۸ منتشر شد. این کتاب نامزد جایزه فصل وزارت فرهنگ و ارشاد شد که البته اکبریانی از دریافت آن انصراف داد. کتاب «باید بروم» او سال بعد از آن منتشر و نامزد جایزه «اوو» داستان متفاوت شد. او بعدها کتاب‌های «هدیان»، «زندگی همین است»، «آرام‌بخش می‌خواهم» و «چهره مبهم» «عذاب ابدی» را منتشر کرد.

اکبریانی همچنین کتاب «ایدئولوژی و ادبیات» را منتشر کرده است که بررسی تطبیقی اندیشه‌های حافظ، مولوی، خیام، شاملو و فروغ است. رویارویی عرفان و تجدد، جزم‌اندیشی حافظ و مولوی، حافظی که متعصب است، فروغ در برابر شاملو، اقتدارگرایی در اندیشه شاملو، ادبیات اعتراض و ادبیات ایدئولوژیک، بازخوانی یک شعر، قهرمان شعرهای فروغ، فروغ مدرنتر از شاملو، زبان در شعر شاملو، فروغ و سپهری، شاعری که از عقل می‌ترسید، حزب توده و نقش دوگانه در ادبیات، شعر ایران، شعر حسرت است، ادبیات کلاسیک؛ مردم به مثابه رعیت، فراز و فرود ادبیات متعهد و اندیشه شریعتی از فصل‌های مختلف این کتاب هستند.

## عصب کشی

### نویسنده: محمد هاشم اکبریانی

«عصب کشی» رمانی است از «محمد هاشم اکبریانی» که نشر چشمه آن را منتشر کرده است. این رمان قصه شخصیتی است به نام اصغر که تصمیم گرفته اصلا حرف نزند؛ از جامعه روشنفکری، افراد، روزنامه‌ها و رسانه‌ها نفرت دارد. او به جامعه و افراد نگاهی کاملاً منفی و سلبی دارد و همین نوع نگاه باعث شده از همه آنها بُرد و صرفاً به خودش رو بیاورد و به شدت به خود و توانایی و شخصیتش معتقد است. رفتارهای غیر متعارف اصغر گاه خنده دار است و گاه غیر قابل پیش بینی. او دنیای خاص خودش را دارد و کاری به این ندارد که دیگران درباره اش چه فکر می‌کنند.

زبان رمان، زبان ساده‌ای است و راوی که در حال قصه‌گویی است با زبان شکسته و محاوره‌ای قصه‌اش را تعریف کند.

در پشت جلد کتاب، می‌خوانیم: «محمد هاشم اکبریانی رمان‌هایی منتشر کرده که اغلب حال و هوایی تجربی داشته‌اند و مخاطبان‌شان نیز او را با این روحیه تجربه‌گرا می‌شناسند. اما جدیدترین رمان او، عصب‌کشی، روایی‌ترین و داستان‌گوترین کتابش محسوب می‌شود. اکبریانی در این رمان تلاش کرده تا با محور قرار دادن یک شخصیت متفاوت قصه‌ای بسازد که در آن حال و هوای اجتماعی در چند فضای متفاوت با این قهرمان گره می‌خورد. اصغر را که شخصیت نخست رمان اکبریانی است، می‌توان کلبی مسلکی کامل دانست. او از نوجوانی‌اش تصمیم گرفته لب از هم باز نکند و ساکت بماند. در عین حال هیچ ابایی ندارد از برخورد‌های گاه تندی که با او می‌شود. او فقط حرکت می‌کند و مدام در حال خوردن است. و همین امر از او یک پرسوناژ خاص ساخته که عمدتاً اطرافیانش را به سرحد جنون می‌رساند... اکبریانی در این فرایند تلاش کرده سیر مقاومت زیستی یک انسان را روایت کند در مقابل وضعیت روزمره اجتماعی؛ مقاومتی که فراتر از معنا‌های سیاسی یا اجتماعی است و بیش از هر چیز نشان دارد از روحیه لجباز و تکرر این پسر جوان که می‌خواهد



## «قلب نارنجی فرشته»

### نویسنده: مرتضی بزرگ

«قلب نارنجی فرشته» نخستین مجموعه داستان مرتضی بزرگ است که نشر چشمه آن را به بازار عرضه کرده است. در نوشته پشت جلد کتاب آمده است: «نخستین مجموعه داستان مرتضی بزرگ مملو از سوژه‌ها و اجراهای تازه است. داستان‌های این مجموعه که در بسیاری از جوایز معتبر داستان کوتاه مانند صادق هدایت، فرشته و ... تقدیر و برنده شده بودند، با وسواس کنار یکدیگر قرار داده شده‌اند؛ داستانی‌هایی که در آن‌ها عناصری مانند مرگ ناگهانی، انتقام، سقوط و کودکی نقش مهمی بازی می‌کنند. یکی دیگر از مشخصه‌های داستان‌های این کتاب، داشتن پایان‌هایی تکان دهنده است که همراه شده با اجراهایی گزنده که از ویژگی داستان‌های کوتاه ناب است. نویسنده این داستان‌ها ذهنی پیچیده دارد و سعی می‌کند با لحنی خونسرد، روایت گم شدن و فقدان و تنهایی را برای خواننده پله به پله بسازد و او را روبه‌رو کند با تصاویری که قرار نیست به این زودی‌ها از خاطرش محو شوند.